

راه و رسم زندگی

عبدالمجید رشیدپور

اعصاب خسته !

* يك بیماری نوظهور .

* اقتباس منطقی کدام است ؟

* زبان های عصیانیت ؟

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: المشاجع من
يملكه نسه عند غيبه . (جامع السعادة)
پرومندان آن کسی است که هنگام ختم خویش شدن
دار باشد .

يك بیماری نوظهور

بدون تردید ابتکارات بشری در عصر حاضر وضع زندگی را در گون ساختهباشد . به علوم انسانی و مطالعات انسانی
اثر برداش علوم ، صنایع ، و زندگی ماشینی ، و هیچ نمایی که بشر در روز ، در آنس
ذوق و ناتوانی در برابر مملکتات زندگی ابراز نمیکرد ؛ سهم زیادی از آنها از میان رفته است
زندگی در عصر حاضر از حالت انفرادی خارج شده ؛ به صورت اجتماعات خانوادهد اشتراك
درآمده است ؛ خواهی نخواهی تحول و تبدیله در همه جا اثر میکنند ؛ منتهی اختلاف در کسی و
زیادتی تأثیر ، و نزدیکی دوری آن میباشد .

ولی موضوعی که باید بدان توجه داشت ؛ این نکته است که همانطوریکه هر گلی خاری
بهمراه دارد ؛ و هر چیز خوبی از حیثی خوب بوده ؛ ممکن است از نقطه نظر دیگری
زیان آور باشد .

زندگی عصری ؛ باتمام پیروزیهایش شکافی در بردارد ، که یکی از آنها را باید
بیماری اعصاب نامید . این پدیده بهمره زندگی عصری بوجود آمده است ، هرچه بقب
نگاه میکنیم ، اثرات این بیماری کمتر دیده میشود ؛ و در عوض هر قدر جلو میرویم ، نشانه های
این بیماری افزایش مینماید .

باید این قرن را عصر اعصاب و تشنج نام گذاشت ، زندگی بایک نوع دلهره و بیم و ترس
ادامه دارد ، همه میترسند ، همه در بیم و هراسند ؛ حوادث تلخ و ناگواری را انتظار میکنند .
امروزه در غالب خانواده ها ، آرامش و اطمینان خاطر کمتر وجود دارد ؛ اعصاب
هنگام کوفته بطور میزد ، گرفتاری هاییکه معلول وضع عصری است ، چنان وضعی پیش آورده
که نشاط و خرمی از همه کس گرفته شده ؛ همه مینالند ؛ و از زندگی و ادامه آن شکوه دارند .
در بسیاری از خانواده ها میان زن و مرد اختلافات عمیقی وجود دارد . در برخی از آنها کار
بهدال و کشمکش کشیده میشود ؛ و در بعضی این اختلافات در زیر قباغه های سرد و گرفته ؛ پنهان
و پوشیده مانده است ؛ لذا غالباً بزرگ موضوع کوچکی هر يك از کوره دررفته ، عقده .
های دلرونی است که در میان مذاهی بیرون ریخته ؛ همه چیز را میسوزاند ؛ خانه و سمارت خانه
فرزند و آینده کودک را سوزانیده خاکسترش را بر باد میدهد .

از پدر و مادرها در گذریم ؛ دختر و پسرها بیک نوع اضطراب و تشویش دچارند ،
در آغاز جوانی و قبل بهار زندگی ، از ادامه حیات رنج میبرند

چهار دختران و پسرانی که بهر شب و در بزمی و زود در نجوی و خود بخوری مبتلا هستند
و بطور کلی اینک در شرایط مساعد زندگی نموده از وسائل عصری کاملاً برخوردار هستند
ولی بااینهمه از نشاط و شادابی که رمز حیات است ، کمتر بهره و نصیبی عمایدشان میگردد
بسیاری از افراد اجتماع از درد اعصاب رنج میبرند ، یکی آنچنان ناتوان شده ، که شبها خوابش
تیرید ؛ برای بدست آوردن خواب ، نیازمند قرص های خواب آور است ، آن دیگری از
فردگی اعصاب دچار بکنوع اختلال فکری و روحی شده است ؛ و آن سومی از درد
ناراحتی های روحی بخود کشی تن در میدهد ؛ تا از رنج زندگی آسوده گردد ، بخوابی
میروود که بیداری ندارد . بدون تردید خود کشی عمل غلطی است ، بکنوع ضرف و ناتوانی
است ، ولی باید اعتراف کرد که فشارهای جانگناه ، گاهی آنچنان افزایش می یابند ؛ که
جرات ارتکاب خود کشی و مشابه آنرا تسهیل مینماید .

شاید گزاف گوئی نباشد؛ که بمان نسبتی که در گذشته، بشر نیازمند سلامت تن و جسم خود بود، امروزه بمان مقدار با بیشتر احتیاج به سلامت اعصاب و تسکین خاطر دارد و امروزه مردم در سدد پیدا کردن داروئی هستند؛ که بتواند اعصاب تحت آفت آن را تسکین دهد، و آبی بر آتش خشم و غضب ایشان بریزد.

* * *

اقتباس منطقی کدام است؟

تحقیق درباره پیدایش این نوع بیماری، و عوامل آن خود بحث جداگانه است، که عیاناً در سده تحلیل و تشریح آن نمیباشیم، ولی متاور اینست که باید این حقیقت آشکار گردد، که تمدن عصری بی عیب و نقص نیست؛ و کسانی که کور کورانه از راه تقلید؛ باشتاب هر چه تمامتری بدنیال آن راه افتاده، تمام ثروت زندگی خود را بدان تطبیق میکنند هتیار بوده، بدانند که هم آهنگی با تمدن عصری؛ تاجه حدودی و درجه مسائلی از نده می باشد البته کسی نمیتواند مفرک بیشتر فتهای علمی و صنعتی امروز شود، و هرگز معقول و منطقی نیست که برای زیانهای که تحول و تمدن عصری به همراه دارد؛ از بر خورداری آن بکلی چشم پوشی کرد، بلکه باید مراقبت و اهتمام کرد که درجه مسائلی باید اقتباس کرد؛ و چنانچه چه چیزهایی را باید پیروی کرد؛ و چه مسائلی را باید نپذیرفت؛ و در مقابل، از کدام یک از روشها و سن گذشته، باید دست برداشت؛ و عقیده مارتع و تمیز که امروز دامنگیر افراد اجتماع شده؛ معلول طرز تفکر غلط است؛ میگویند هر چه از دروازه غرب وارد شد خوب و بیستید است؛ باید آنرا بپذیرفت؛ بدون اینکه این بپذیرش را با موازین عقل و معنای سنجش و تبدیل کنند.

زیانهای بیماری عصبی

شاید عده ای در نظرشان این موضوع کوچک آمده؛ چنین تصور کنند؛ که موضوع اهمیت داری نمیباشد؛ و نتیجه آن برای «دماغ» آن اقدام اساسی نشاید؛ ولی تا کنه پیداست؛ که زندگی با اعصاب خسته؛ علاوه بر اینکه لذت بخش نیست؛ اصولاً تلخ و ناگوار است. تمام طباء و روانشناسان در این نکته اتفاق دارند؛ که شش سیماهی؛ در درجه اول سلامت خود را از دست میدهد؛ چه عصبانیت در دستگاه مغز و قلب و سایر دستگاههای انسان اثر میگذارد. شخصی که عصبانی شده در چنین حال؛ دچار یک نوع مسخه میگردد که اثرات آن بر تمام دستگاههای فکری و روحی باقی میماند. عضوی که از صه بیشتر در ایسی

نوع فعل و افعال، متأخر میگردد دستگاه منزاست، چه در اثر طبعان احساسات حادث شده؛ فعالیتهای مغزی و فکری دچار یک نوع رکودی میگردد؛ رکودیکه گاه قیمت و ارزش جان و حیثیت و شرافت آدمی و سایرین تمام میشود، رکودیکه سر نوشت آدمی را دگرگون کرده بوی خون و صحنه زندان؛ را بوجود میآورد. پیغمبر (ص) اسلام در حدیثی فرمود؛ هر که جلوشم و غضب خود را نتواند بگیرد؛ قوای عقلانی خود را از دست داده؛ از برخورداری آن محروم خواهد ماند. «من لم یملک غضبه لم یملک عقله» (۱).

فرمود دیگری رسول اکرم (ص) فرمود؛ مرد شجاع و توانا آن کسی است که بتواند جلوی خشم و غضب خود را بگیرد؛ الشجاع من یملک نفسه عند غضبه» (۲).

و اما از نظر دیدانهای اجتماعی؛ باید اعتراف کرد؛ بیشتر پرونده هائیکه تشکیل یافته و یاد شرف نمکوبین است؛ همه حاکی است که نوع قتلها و جنایت های حاد در مواردی دیده میدهد، که طرف و یا طرفین در اثر عصبانیت تند و شدید؛ دچار یک نوع هیجانات عصبی شده دست خود را بقتل و جنایتی آلوده مینمایند.

(۱) اصول کافی (۲) جامع السعاده

آیامی دانید که؟

در کانا (۶۱۴) در صده جمعیت دانشجویان و در چک اسلواکی
(۶) در صده دانشجویان و در ژاپن (۵) در صده جمعیت دانشجویان
و در بلنارستان (۴) در صده جمعیت دانشجویان و در یوگسلاوی
(۳۷) در صده جمعیت دانشجویان و در فرانسه (۳۸) در صده
جمعیت دانشجویان و اما در ایران بایک و نیم ده هزار در
زیدی کشور های آخر قرار دارد!
(از گزارشات دکتر... سرپرست سازمان
جوانان نخست وزیری - کیهان شماره ۵۶۹۴)